



نوشته: ع. بصیر دھزاد

تحلیلی بر سیاست جدید آمریکا و موقف شرارت پیشتی دولت پاکستان

دولت ایالات متحده آمریکا در هفته های اخیر با کرات حکومت پاکستان را مبنی بر قطع همکاری با تروریستان طالبی محکوم نموده و هوشدار های را از عقب میکروفون ها متوجه دولتمداران این کشور محور شرارت میسازد.

انتقادات از سیاست حمایت گری پاکستان از تروریستان سابقه 16 ساله دارد و آنهم از زمان که پای عساکر آمریکائی بر اساس سیاست استراتژیک آمریکا در افغانستان جنگ زده گذاشته شده است. در حالیکه سیاست حمایت گرانه پاکستان از تروریستان که بیشتر از 20 گروه در آن کشور فعال اند، بیشتر از آن نیز وجود داشته ولی در آن گذشته ها تروریستان در آن کشور در یک همکاری و استراتژی مشترک، سازماندهی مشترک و حمایت مالی مستقیم آمریکا فعال بودند و بر ضد دولت و مردم افغانستان هر روز فاجعه میآفریدند. این تروریزم امروز با تروریزم دیروز فقط در شیوه های جدید قتل مردم مظلوم و بلاکشیده ما تفاوت دارد. این گروه های شریر و فاقد وجدان انسانی با کرات با اعمال تروریستی و انفجارات انتحاری مرتکب شدیدترین جرایم در برابر مردمان ملکی افغانستان گریده اند. چنانچه آخرین عمل تروریستی روز شنبه گذشته در یکی از مزدحم ترین نقاط شهر کابل و محل عبور و مرور مردمان اهل کسبه و در مقابل یک بیمارستان قریب ه صد هموطن ما را بکام مرگ فرو برد.

طالبان مربوط به حلقه حقانی به مانند پاکستان به هیچ صورتی حاضر به ملایمت نبوده و طرح پیش شرط های برای حل مسالمت آمیز ختم جنگ ندارند و پاکستان با کرات حمایت از طالبان و دادن خانه های امن به رهبران آنها را انکار میکند ولی از جانب دیگر پاکستان از مذاکرات با رهبران طالبان در داخل پاکستان حکایت میکند و یا به گفته سر تاج عزیز پاکستان "نفوذکافی بر طالبان" دارند. تنها یک

حلقه از طالبان تحت رهبری ملا رسول با چانه زنی ها راه های تسلیمی را جستجو میکند و در مورد زمینه تجارت های سیاسی منجمله حزب اسلامی و بعض حقات دولت را نیز مساعد ساخته است. در هر حالتی نتیجه روند های 16 سال اخیر چنین میتواند باشد که طالبان میگویند که طرف جنگ آنها در افغانستان " آمریکای اشغالگر " است و به همین دلیل طرف مذاکرات آنها هم صرفاً آمریکا خواهد بود. در تقابل آمریکا میگوید که " تا موجودیت تروریزم طالبان در افغانستان باقی خواهند ماند " . در اینجا ملت و سرزمین افغانستان تحت یک معادله تناسب حساسی قرار دارند که نقش و موقعیت دولت افغانستان و مسأله ختم جنگ موقعیت (اکس مجهول) را بخود گرفته است. اکس که در نهایت به صفر تقرب داده میشود.

ولی سوال اصلی در اینجا است که با در نظر داشت این واقعیت که منافع استراتژیک و نظامی منطقی پاکستان و ایالات متحده آمریکا از سال 1955 بدین سو به هم عمیقاً گره خورده اند، میتوان به هوشدار های کنونی آمریکا به حکومت پاکستان و حمله هوایی بر مراکز اصلی تروریستان اعتماد نمود؟ واضح است که از زمان الحاق پاکستان به پکت نظامی سنتو هر دو دولت یک اساس پایدار همکاری استراتژیک نظامی منطقی طویل المدت را گذاشتند و این همکاری استراتژیک در زمان مسلح سازی، تربیه و ارسال جنگجویان تنظیم های اسلامی به افغانستان به اوج خود رسید. از جانب دیگر سرمایه گذاری سیاسی و استخباراتی آمریکا و انگلیس در میان نیرو های مسلح و استخبارات پاکستان بگونه قوی و عمیق صورت گرفته است که تغیر در ساختار و ترکیب سیستم سیاسی پاکستان در دراز مدت غیر قابل پیشبینی و باور به نظر میرسد.

به اتکای مطالب فوق اعلام به تعویق انداختن کمک سالانه 250 میلیون دالری حکومت آمریکا به دستگاه نظامی پاکستان ، به تعقیب تهدید به قطع کمکهای آمریکا به خلق مظلوم فلسطین، و یک سلسله تصامیم رئیس جمهور ترمپ را نیز میتوان از زوایای مختلف به تحلیل و ارزیابی گرفت و سوالات زیادی را میتوان مطرح نمود .

آیا میتواند قطع مقطعی کمک مالی آمریکا به پاکستان اثرگذار باشد و یا پاکستان در تغیر سیاست خویش مبنی بر قلع و قمع تروریستان داعشی، طالبی و بیش از 18 گروه دیگر تروریستی وادار خواهد شد؟ این سوال را هم میتوان مطرح نمود که چرا اکثریت بزرگ جهان ما نسبت به سیاست و سیاسیون آمریکا نه تنها که مشکوک اند و باور ندارند، بلکه با بدبینی و حتی با چشم عقده و نفرت میبینند. اگر به سیاست های بعد از ختم جنگ جهانی آمریکا تا به امروز یک نظر کوتاه و گذرا انداخته شود، این دولت همان خصوصیت بر تری جوئی ، تفوق طلبی نظامی و اقتصادی خویش را بدون کدام تغیر حفظ نموده است و فقط با جو سیاسی جهانی در هر مقطع سیاست بین المللی ،" در سطح و آنهم ریاکارانه " اقداماتی را روی دست گرفته است. ادامه تشنجات بین المللی به تحریک و دست اندازی دستگاه نظامی و سیاسی ایالات متحده آمریکا در هر مقطع تاریخی در عمق و محتوا ادامه همان سیاست آمپریالیستی و ملتاریستی بوده است که فقط در شکل و با آمد و رفت رئیسان جمهور در ظاهر امر تغیرات شکلی روی دست گرفته میشود.

اگر در دهه شصت بحران کوبا خطرات جدید را برای آغاز یک جنگ اتومی ایجاد و دست ها را بر دکمه های فیر راکت ها آماده ساخته بود، به تعقیب آن در دهه ها 60 و 70 با مداخله آمریکا و شرکایش جنگ در شرق میانه و جنگ وحشیانه در ویتنام مناطق مختلفه جهان را به نابودی و وحشت جنگ های نا برابر واداشت تا آمریکا تفوق و ادامه سیاست توسعه طلبی و جیو استراتژیک خویش را ادامه دهد و زمینه های جدید را برای تسلط سیاست و باز کردن میدان های جدید از طریق ایجاد و تشویق بی ثباتی سیاسی و نظامی میسر سازد.

سیاسیون آمریکائی و صاحبان کارتل های بزرگ چندین ملیتی در وجود دستگاه ناتو و در یک همکاری استراتژیک شان همان طور یکی با سازمان دادن کودتا های نظامی و تحمیل حکومت های دست نشانده و دیکتاتور منش در شاخه های مختلف جهان چهره های را روی صحنه آوردند و چهره های را بعد از یک استفاده برای اهداف خویش ، چنان به حاشیه راندند که دیگر بدانها دیوانه های روی سرک میتواند لقب داد. ضیا الحق که دیگر با ایده های پان اسلامی اش برای آمریکا حیثیت پارچه تکه گندیده و بد بو را داشت قربانی سانحه به اصطلاح هوائی گردید. گرباچوف دیگر با کلاه شپوی اش مسخره اطفال روی سرک شده است. جنرال نوریگا مارک قاچاق مواد مخدر خورد و به دوصد سال زندان محکوم گردید و دهای دیگر.

اکنون سیاست پاکستان در دست و تسلط عقب مانده ترین اسلامگرا های تند رو قرار گرفته که در مدرسه ها اطفال را مورد س استفاده جنسی قرار میدند، رهبران شان در مساجد ملنگ و در اوباش خانه ها و محافل رقص و موزیک پلنگ اند و سیاست بازان سطح بالای شان با مسابقه دادن ، خواندن قل هو الله و احد را وسیله رفع خستگی و تفریح جلسات مینمایند . ولی از جانب دیگر اظهر من الشمس است که دستگاه های نظامی- استخباراتی آمریکا و انگلیس سرمایه گذاری کافی در استخبارات نظامی و لشکر آن دارد که در هر زمانی میتواند یک کودتای آرام را (مانند کودتای جنرال پرویز مشرف که در فضا در هواپیمای به صوب اسلام آباد قومانده کودتا داد) سازماندهی دهد و موقف ژاندارم " عنعنوی و گره خورده شده به بخت پاکستان" را دوباره احیا نماید.

این بدین معنی است که هر گونه فشار به اصطلاح اقتصادی با به تعویق انداختن کمک 250 ملیون دالری به پاکستان غیر از یک اقدام سطحی نتایج ملموس را بدست نخواهد داد. اگر دستگاه سیاسی آمریکا واقعاً میخواهد نفوذ و تسلط رو به تزاید و وخامت تروریزم بین المللی طالب و داعش را در وجود یکی از حامیان و تربیه دهنده گان و صادر کننده گان آن در منطقه یعنی پاکستان بشکند، باید علاوه بر این تحریم نظامی، تحریمات بزرگ اقتصادی خود و دولت های هموند خویش را با این حکومت حامی تروریزم روی دست گیرد، آنچه که قبلاً آمریکا این چنین تحریمات را بر ایران، روسیه ، کوریای شمالی و تعداد از کشور های دیگر روی دست و اجرا نمود.

این واقعیت کنونی را نمیتوان بر مبنای " سیاست روز" روپوشی نمود که تروریستان از پاکستان و به کمک پاکستان به افغانستان و از مناطق سرحدی با بس ها و هلیکوپتر ها به منطق دیگر کشور ، اخصاً ولایات شمال کشور انتقال میآبند، هلیکوپتر های که زیر ریش چتر کنترل رادار فضائی آمریکا و ناتو آزادانه پرواز های شبانه انجام میدهند.

پاکستان نه تنها دشمن تاریخی حاکمیت ملی ، تمامیت ارضی و مردم افغانستان است ، بلکه دولت تحریک کننده جنک و تشنج با همسایه دیگر خود ، هند است.

ملت و مردم کشور ما زمان بر تهدیدات و هوشدار های آمریکا اعتماد خواهند نمود که نیرو های نظامی آمریکا با جدیت و بدون از دست دادن وقت و طولانی ساختن انجام تعهدات ، اقدامات کثیر الجوانب (حملات بر مراکز تروریستی در جوار سرحدات افغانستان، قطع تمام کمک های اقتصادی و نظامی برای پاکستان، آغاز تحریم های اقتصادی ایالات متحده و اعضای پیمان ناتو) آنرا بر علیه دستگاه شیطانی پاکستان روی دست گیرد.

با احترام